

## نقش انتظار در زندگی منتظران

تاریخ پخش: ۱۳۹۷/۱/۲۱

بسم الله الرحمن الرحيم

«الهی انطقنی بالهدی و الهمنی التقوی»

بحث در ایام شعبانیه، سال ۹۷، روز بعد از تولد امام زمان ظاهراً پخش می‌شود. موضوع بحث ما انتظار است. اول انتظار معنایش این نیست که صبر کنیم خودش بیاید. آدم هوا که تاریک می‌شود منتظر خورشید هست، ولی تاریکی نمی‌نشینیم، خودمان هم بلند می‌شویم یک لامپ یا چراغی روشن می‌کنیم. منتظر هستیم خورشید بیاید، انتظار خورشید معنایش این نیست که در تاریکی بنشینیم. هوا که سرد می‌شود ما منتظر هستیم سردی هوا برطرف شود اما نمی‌نشینیم لرز کنیم. یک کرسی، بخاری، شوفاژ می‌گذاریم. پس این حرف اول ماست که انتظار امام زمان معنایش بیکاری نیست. این یک مسأله است.

### ۱ - انتظار عمل است، نه حالت:

مسأله دوم انتظار عمل است چون در روایت داریم «افضل الاعمال انتظار الفرج» بهترین عمل انتظار است. اگر ما بگوییم: انتظار یعنی حالت، مثل کسی که نشسته و نگاهش به در است و کسی بیاید. این حالت است، عمل نیست. وقتی می‌گوید: انتظار بهترین عمل است، پس پیداست منتظر هم باید بهترین عامل باشد. انتظار بهترین عمل است پس منتظر هم باید بهترین عمل کننده باشد. یعنی خلاصه عمل است.

روایات برای ما انتظار را معنا کرده است. من یک تابلویی اینجا نوشتم که این تابلو خوب است برای افرادی که هنر دارند، امکانات دارند، لااقل یک بنری از این درست کنند. کلمات حکیمانه خوبی است که پیدا کردم. یکی اینکه انسان کمال خواه است. خدا انسان را کمال خواه درست کرده است. بچه می‌گوید: دوچرخه می‌خواهم. یعنی فکر می‌کند کمالش به دوچرخه است. بزرگ شد موتور می‌خواهد. بزرگ شد ماشین می‌خواهد، بزرگ شد هواپیما می‌خواهد. این غریزه در انسان هست که انسان می‌خواهد برود یک مقام برتری، چیز بهتری، زیباتری و محکم‌تری و ماندگارتری، این در وجود هر انسانی هست، پس انسان کمال خواه است.

بسم الله الرحمن الرحيم [پای تخته می‌نویسد] موضوع انتظار است. این یک، اول انتظار، روز تاریکی نشستن نیست. انتظار گرما، سرما نشستن نیست. انسان کمال طلب است. انتظار یعنی من وضع موجود را قبول ندارم. قانع نیستم به وضع موجود، ولایت فقیه مجتهد عادل است حکومت می‌کند. اما من منتظر حضرت مهدی هستم که او امام معصوم باشد و بیاید عدالت را در کره زمین بیاورد. اگر یک جایی در یک

منطقه عدالت برقرار شد، این مرا قانع نمی‌کند. جهانی فکر کنیم. اصلاً کسی که می‌خواهد امام زمان(ع) ظهور کند و عدالت را در کل دنیا حاکم کند، پس باید خودش هم آدم جهانی باشد. چون منتظر امام جهانی است. کسی می‌تواند منتظر امام جهانی باشد که خودش هم جهانی باشد. افرادی که در خودشان هستند، قهر می‌کند چرا به او چای داد و به او آبجوش داد؟ چرا او را دعوت کرد و مرا دعوت نکرد؟ چرا این کلمه را به ما گفت؟ آدم‌هایی که در خودشان هستند، سر یک کلمه، یک برخورد با هم قهر می‌کنند. چرا مهرش اینقدر است؟ حالا که مهرش اینقدر است ما دختر نمی‌دهیم. گفت: تالار سیصد صندلی، چرا تالار کوچک گرفته؟ پس ما نیستیم. سر صندلی تالار عقد را به هم می‌زند. سر دو تا سکه مهر را به هم می‌زند. اصلاً اینها نمی‌توانند منتظر باشند چون اینها در خودشان هم ماندند. کسی که به پای خودش زنجیر است، نمی‌تواند زنجیر را از پای دیگران باز کند. این خودش گیر است. امام بین‌المللی یاران بین‌المللی می‌خواهد. انتظار یک کمال خواهی است.

انتظار یک حرکت است از وضع موجود به وضع مطلوب، در انتظار باید اینها معنا شود. من بتوانم همه این کلمات را بنویسم خوب است. [پای تخته می‌نویسند] انتظار حرکت به سمت مطلوب است. از وضع موجود به سمت مطلوب است.

## ۲ - انتظار، اعتراض به ظلم جهانی:

انتظار اعتراض به مفاسد روز است. معنای انتظار این است. انتظار خروج از رکود است. انتظار امید به فردای بهتر است. انتظار احساس نیاز به رهبر معصوم است. اصلاً اگر دست بشر در دست معصوم نباشد، ظلم به بشر است. چون خداوند می‌گوید: کل هستی را برای بشر آفریدم. «خَلَقَ لَكُمْ» (بقره/ ۲۹) برای شما آفریدم. «سَخَّرَ لَكُمْ» (جاثیه/ ۱۳) معنای کلمه «لکم» را می‌دانید؟ برای شماست. «خَلَقَ لَكُمْ»، «سَخَّرَ لَكُمْ»، «مَتَاعاً لَكُمْ» (مائده/ ۹۶) کلمه «لکم» در قرآن زیاد است. یعنی ابر و باد و مه و خورشید و فلک برای توست. پس هستی برای من است، من برای چه هستم؟ «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات/ ۵۶) هستی برای بشر است و بشر برای این است که بنده خدا شود. آنوقت خدا هستی را برای بشر خلق کند و از بشر هم بخواهد که بنده خدا شود و دستش در دست چه کسی باشد. اگر انسان دستش در دست طاغوت‌ها باشد به خدا می‌رسد؟ این وضع موجود، بدترین حالات را الآن ما داریم. من تعجب می‌کنم چرا می‌گویند: تمدن؟! تمدن خبری نیست. بالاترین وحشی‌گری در زمان ما هست. نفت سعودی را بفروش، از آمریکا اسلحه بخر، مسلمان‌های یمن را بکش! آمریکا هم حمایت می‌کند. بین‌الملل هم خفه شده است. از این بدتر می‌شود؟ صد

رحمت به گور پدر جاهلیت! زمان جاهلیت یک نفر چاقو دست می گرفت، خنجر دست می گرفت و سر کسی را می برید. بمباران نبود، در عروسی بمباران کنند و همه کاروان عروسی را بکشند. رحمت به گور پدر جاهلیت، جاهلیت دختر را زنده در گور می کردند. الآن کورتاژ می کنند دختر و پسر را با هم در چاه مستراح می اندازند. سقط می کنند بچه را در مستراح می اندازند. تمدنی نیست که ما با اینها اسمش را می گذاریم. انتظار یعنی بینیم در چه شرایطی هستیم و باید چه باشیم و چه هستیم.

### ۳ - انتظار، نشانه اعتقاد به امام معصوم:

انتظار یعنی... اصلاً انتظار یعنی من به امامت یقین دارم. این خودش ارزش است که انسان امام را باور کند. صلواتی بفرستید. (صلوات حضار)

در اسکناس یک نخ است و آن نخ به اسکناس ارزش می دهد. در این هستی «وَ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِين» یک ریسمان آسمانی می خواهیم بین زمین و آسمان، آن وجودی است که معصوم است. خدا هستی را برای ما خلق کرد که بخوریم، بخوایم و گناه کنیم و هیچ شویم؟ اینکه عبث می شود. «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا» (مؤمنون/ ۱۱۵) مواد غذایی زمین از طریق گیاهان، گندم و جو و سبزه و میوه می شود، پس مواد غذایی زمین میوه می شود. میوه غذای بابا و ننه می شود، تبدیل به نطفه می شود. نطفه در رحم مادر پس از مراحل طفلی می شود. طفل به دنیا می آید، کم کم حرف زدن راه می گیرد، راه رفتن یاد می گیرد، بعد پیش دبستانی، دبستانی، راهنمایی، دبیرستانی، دانشگاه، یک انسان کامل می شود. انسان کامل که شد، شروع می کند پایین می آید. پیر می شود، دندانش عملی می شود، چشمش عینکی می شود، پایش عصایی می شود، صورتش چروک می شود، یک ذره یک ذره می آید پایین مریض می شود، مرض طول می کشد و می میرد. خاکش می کنند زیر خاک می پوسد و دوباره خاک می شود. این چه شد؟ مواد غذایی خاک، میوه شد، نطفه شد، انسان شد، انسان کامل شد، دوباره این انسان پیر و مریض شد و مرد و خاک شد. اگر بنا بود خدا خاک درست کند، مگر اولش خاک نبودیم؟ هیچ کوزه گر مست حاضر است کوزه ای که ساخته است را بشکند؟ کوزه گر مست، کوزه ای که ساخته را می شکند؟ ما بمیریم و خاک شویم و هیچی به هیچی. یک هدفی در این هستی در کار است. هدفی که می ارزد خداوند ۱۲۴ هزار پیغمبر برایش بفرستد. نه پیغمبرانی در رفاه، پیغمبرانی که کشته می شدند. در قرآن هم «يَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ» (بقره/ ۶۱) داریم هم «يَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ» (آل عمران/ ۱۱۲) داریم. چقدر پیغمبرها را کشتند. یازده معصوم ما را کشتند. چه هدفی در کار است که باید علی بن ابی طالب کشته شود؟ همه امامان ما

یکی یکی یا با شمشیر یا با سم همه باید شهید شوند؟ داریم کجا می‌رویم؟ انتظار یعنی یک نگاهی کن هدف چیست. چه هدفی در کار است که این مسأله انتظار قصه را حل می‌کند؟

شما به همه بدهکارها بگویی: یک چک دارم فردا وصول می‌شود. آن هم می‌گوید: پول مرا بده. آقا فردا چک دارم وصول می‌شود! آقا، اگر به همه بگوییم: فردا چک دارم وصول می‌شود، باید دید مبلغ چک چقدر است که شما به همه طلبکارهایت می‌گویی: فردا. مسأله انتظار چیست؟ در انتظار باید انسان باور کند این علم نجاتش نمی‌دهد. دانشگاه‌ها، کسی هست الآن دستش را بلند کند و بگوید: من شعار دارم. می‌گوییم بگو ببینیم. بگوید: هر کشوری دانشگاهش بیشتر است، کشورهای بهتری هستند. ما نداریم. از آن طرف می‌شود گفت که هر کشوری که دانشگاهش بیشتر است، آمار جنایتش هم بیشتر است. از آن طرف می‌شود گفت. این درسها و مدرسه‌ها و کلاس‌ها نتیجه نداد. آدم می‌خواهیم که این ظرف... در ظرف پاک شیر بریزند. اگر ظرف آلوده باشد، هر چیزی بریزیم فاسد می‌شود. روح‌ها پاک نیست.

اگر دیدیم جوانی از بغل استاد رد می‌شود سلام نمی‌کند، به او می‌گویند: آقا مگر این استاد تو نبود، چرا سلام نکردی؟ می‌گوید: این ترم با او درس ندارم. این دانشجو است یا اینجا بیمارستان سرطانی‌ها است؟ سرطان اخلاقی، علم نجات نداد. در جایی رفتم گفتند: اینجا موتور هواپیمای می‌سازند. گفتم: خوب، موتور هواپیمای ساختن مهم نیست. کشورهای دیگر هم می‌سازند. این هواپیمایی که موتور دارد وقتی پرواز می‌کند، می‌خواهد کجا را بمباران کند؟ به نفع چه کسی پرواز می‌کند؟ دنیای حقوق مشکل را حل نکرد. یک نفر در حقوق‌دان‌های دنیا نیست بگویند: به چه دلیل باید یک خانواده در یک کشور حکومت کند؟ آل سعود سوادی دارند؟ کمالی دارند؟ سابقه‌ای دارند؟ اصلاً دلیل اینکه یک خانواده باید حکومت کند چیست؟ یک نفر حقوق‌دان یک مقاله می‌نویسد؟ دانشگاه حقوق، با این وضع موجود اگر در همه دانشگاه‌ها را هم گل بگیرند، ما هیچ مشکلی نداریم. چون بمباران می‌شوند و کسی هم حرف نمی‌زند. چه دانشگاه باشد چه نباشد. چه لیسانس، چه فوق لیسانس، چه دکتر. معنای انتظار این است که باید دنبال یک راه حل گشت. مردم باید به اینجا برسند.

#### ۴ - ناامیدی مردم جهان از حاکمان بشری:

حدیث داریم قبل از ظهور امام زمان هر دو سه روزی یک خطی می‌آید حاکم می‌شود. در زمان ما چه می‌گویند؟ اصلاح طلب و اصول‌گرا... یقوت می‌گفتند: چپ و راست! هر اسمی می‌خواهد باشد. حدیث داریم قبل از ظهور حضرت مهدی هر قشری یک چند روزی حکومت را دست می‌گیرند. می‌فهمند که

نمی‌توانند. آنوقت منتظر می‌شوند و می‌گویند: پس صبر کنیم صاحبش بیاید. مثل وزنه‌بردارها هستند خم می‌شوند این وزنه را بلند می‌کنند، هی زمین می‌اندازند. نمی‌توانند.

نه در مسائل کلی، در مسائل جزئی، الآن یک بزغاله به شما بدهند بگویند: تقسیم کن، کبابی‌اش را برای خودت بر نمی‌داری؟ راستش را بگویند. یک بزغاله به شما بدهند و بگویند: تقسیم کن، کبابی‌اش را برای خودت بر نمی‌داری؟ ما در تقسیم بزغاله عاجز هستیم. حرف می‌زنیم. حاضر هستیم دو لیتر گریه کنیم که چرا فدک را به زهرا ندادند؟ خودت هم سهم امام را ندادی. چه فرقی می‌کند؟ او به مادرش، حق مادر را نداد، شما هم حق پدرش را ندادی. همه یکی هستیم. ما باید برای خودمان هم گریه کنیم. یک دکتر یک چیزی می‌گوید مو به مو انجام می‌دهیم.

چند وقت پیش سمینار پزشک‌ها بود، پزشک‌های درجه یک و دو و سه، ما رفتیم سخنرانی، گفتم: آقایان پزشک، تا حالا یک بیمار به شما چرا گفته است؟ چرا این قرص گرد است و این دراز است و این لوزی است و این بیضی است و این خط دارد و این خط ندارد؟ چرا این را می‌گویی قبل از غذا، این را می‌گویی: بعد از غذا، این را می‌گویی: دو تا بخور، این را می‌گویی یکی بخور. نصف بخور. تا حالا یک بیمار به شما چرا گفته است؟ گفت: نه، وقتی ما نسخه می‌دهیم آیت الله العظمی هم باشد به نسخه ما عمل می‌کند. شما چقدر درس خواندی که ما باید تسلیم شما شویم؟ دیپلم را که امروز همه دارند. بعد از دیپلم پنج شش سال درس خواندی، سه چهار سال هم تخصصی خواندی. یعنی ده سال درس خواندی، همه گوش به حرفت می‌دهند و هیچکس هم حرف نمی‌زند، آنوقت چطور شما دو رکعت نماز می‌خوانی، می‌گویی: چرا نماز صبح دو رکعت است؟ به تو چه چرا؟ مریض‌ها به شما گفتند: چرا این قرص گرد است؟ شما ده سال درس خواندی همه مردم تسلیم شما هستند. ده سال درس خواندی. حالا ده سال هم به قیمت روز معنا می‌کنیم. خواسته باشید دقیق شوی ده سال هم نیست، پنج سال است. چون ده سال ده تا تابستان تعطیل است. ده تا سه ماه، سی ماه تابستان است. ده تا عید نوروز، هر عید نوروزی بیست روز تعطیل است. ده تا بیست روز، دویست روز هم عید نوروز است. ده سال ده تا بین ترم دارد. بین ترم هم بیست روز است. دویست روز هم بین ترم است. ده سال است و هر سالی هم ۵۲ تا جمعه تعطیل است. ده تا ۵۲ تا، ۵۲۰ تا جمعه دارد. ۵۲۰ تا هم پنج‌شنبه دارد. آب این را بگیری هیچی می‌شود. ما یک مقداری سواد داریم، همان مقداری که داریم، تحقیر نکنیم بالاخره آن مقداری هست که هست. ولی علم احترام دارد. حالا که شما چند سال درس خواندی و دکتر شدی، بنده قرائتی نباید بگویم: من حجت الاسلام هستم، هرچه گفتمی باید بگویم: چشم. چطور ما به شما می‌گوییم:

چشم، شما به مرجع تقلید نمی‌گویید چشم؟ مگر باقی چیزها را فهمیدیم؟ برگ انار باریک است، مگر فهمیدیم چرا؟ برگ انگور پهن است. برگ انگور نازک است و برگ انجیر کلفت است. هر درختی یک چوبی دارد، هر چوبی یک رنگی دارد و یک خاصیت و دوامی دارد. ما چه چیزی بلد هستیم. منتهی همین مقداری که بلد هستیم باید عمل کنیم. انتظار یعنی قانع به وضع موجود نباشیم. مفسد را تشخیص بدهیم. خودمان را ارزیابی کنیم. ما می‌توانیم یا نمی‌توانیم؟

یکوقت یک کسی خدمت امام آمد، گفت: نماینده شما در حج مثلاً ضعیف است. نقل شد که امام فرمود: چه کرده است؟ گفت: در مکه، مدینه، یک خانمی با یک عربی داشت حرف می‌زد، عرب می‌خندید، خانم هم می‌خندید. مثلاً نگاهشان شرعی نبود. گفت: حالا نماینده من در مکه باید در همه کوچه‌ها حضور داشته باشد؟ باید کنار هر عربی یک نماینده نگاه کند ببیند به کجا نگاه می‌کند؟ اصلاً من قوی‌تر هستم یا نماینده من؟ گفتند: شما امام هستی. حسینیه چهاران بزرگتر است یا مکه؟ مکه بزرگتر است، حسینیه چهاران یک سالن است. من که امام هستم در حسینیه چهاران دارم حرف می‌زنم یک کسی وسط حرف‌های من بگوید: تکبیر، حال آنکه آنجا جای تکبیر نبود. چه کنم این بالا نشستیم؟ بگوییم: بیرونش کنید. قهر کنم؟ مگر می‌شود همه را کنترل کرد؟ خدا «لَهُ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (ملک / ۱) ما «لَهُ الْمُلْكُ» حکومت دستمان هست ولی «وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» نیستیم. یکبار دیگر بگوییم شما کمک کنید. چرا نشستید نگاه می‌کنید؟

خدا «لَهُ الْمُلْكُ» یعنی حکومت دستش است. «وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» ما «لَهُ الْمُلْكُ» حکومت دستمان هست ولی «وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» نیستیم. حکومت دستمان است. بنده خودم سی سال معاون وزیر در نهضت سواد آموزی بودم. دهها هزار معلم و آموزشیار داشتیم. دانه دانه اینها را می‌توانم چک کنم، کنترل کنم؟ کجا رفتند و کجا آمدند؟ چه کردند؟ بنده می‌توانم؟ گاهی وقت‌ها یک توقعاتی هم داریم این توقعات نمی‌شود. گاهی حتی در حوزه، یک مشکلی پیش می‌آید و همه مراجع هم هستند، این را چطور باید حل کرد. نمی‌شود حل کرد. ما باید بدانیم که ما اهل این کار نیستیم.

۵ - نوید ظهور امام مهدی عج از زمان رسول خدا ص ع و آ لله :

امامان ما همه شهید شدند، باز منتظر حضرت مهدی بودند. حدیثی داریم امام صادق فرمود: اگر من مهدی را درک می‌کردم، تا آخر عمر خادمش بودم. یعنی امام صادق هم منتظر امام زمان بود. این یک خورشیدی است که ما هی چراغ قوه روشن می‌کنیم یک جا را روشن می‌کنیم، بعد باتری‌اش تمام می‌شود یا چراغ می‌شکند یا محدودیت دارد، نمی‌شود. انتظار یعنی چه؟

انتظار به معنای افراط نیست. بعضی می گویند: امام زمان بیاید همه را می کشد. جوی خون راه می افتد، نهر خون راه می افتد. امام زمان را این رقمی معرفی می کنند. غلط است. بعضی می گویند: امام زمان بیاید دیگر ما راحت خواهیم بود. دیگر یک رفاه کلی است. نه امام زمان بیاید در رفاه هستی. نه امام زمان بیاید کشته می شویم. هر دو غلط است. امام زمان مظهر محبت و رأفت خداست. هرکس خلاف کند... بله، «أَيْنَ حَاصِدُ فُرُوعِ الْعُغْيِ وَالشَّقَاقِ [النَّفَاقِ]»، «أَيْنَ هَادِمُ أْبْنِيَةِ الشُّرْكَ وَالنَّفَاقِ» (مفاتیح الجنان، ص ۵۳۵) بله یک ساختمان‌هایی که مرکز فساد است خراب می شود، اما حالا هر اتاقی یک گناه درونش شده، خراب می کنند؟ هرکس یک خلاف کرده او را می کشند؟ آن مقداری که در دعای ندبه داریم می گوید: امام زمان کجا هستی، ساختمان‌های شرک را باید خراب کنی. بله ساختمان‌هایی هست که به اسم بین الملل در آن می نشینند، هیچ خاصیتی ندارد. از قوانین آنها یک گربه یک آروغ نمی زند. ولی شخصیت‌ها نشستند...

افرادی کشته می شوند، افرادی هم به رفاه می رسند، اما حدیث داریم کسانی که منتظر امام زمان هستند، خودشان را برای زندگی ساده آماده کنند. حدیث است. خودشان را برای زندگی ساده آماده کنند. زندگی اشرافی، زندگی مسرفانه، معنای انتظار نه کشتن و تلخی‌ها و... است و نه معنایش آسایش و تن پروری است. انتظار یعنی باقی مشکلات را تحت الشعاع قرار بدهد. این هم یکی است. اینها مشکل نیست. مشکل اصلی این است که رهبر معصوم نیست. باقی مشکلات را تحت الشعاع قرار بدهد. یعنی مسائل فرعی تو را سرگرم نکند. خدا هم باید تعیین کند.

اصلاً امام معصوم را غیر خدا نمی شناسد چون عصمت یک حالت درونی است. شما به صورت کسی نگاه کنی، نمی فهمی معصوم هست یا نه. عصمت یک حالت درونی است. عدالت هم همینطور است. شما تا صبح هم به من نگاه کنی متوجه نمی شوی من عادل هستم یا فاسق؟ بو علی سینا می گوید: امام و پیغمبر باید معصوم باشد. عصمت دیدنی نیست. باید یک کسی تعیین کند که او باطن افراد را می شناسد. باید خدا تعیین کند. «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (بقره/ ۱۲۴) قرآن می گوید: من این را، تو را امام کردم. «جعلنا أئمة» کلمه جاعل... «إِنِّي جَاعِلُكَ» یعنی امامت باید زیر نظر خدا باشد. انتخاب رئیس جمهور نیست که رأی بدهیم و انتخابات باشد. شورای شهر نیست. نماینده مجلس نیست.

## ۶ - انتظار، تلاش در کسب رضای امام زمان (عج):

انتظار یعنی کارهاییان را در راستای رضای او قرار بدهیم. «و ارزقنا رأفته و رحمة» یعنی محور کارها او باشد. آقا راضی است. اگر امام زمان راضی است انجام می‌دهم. یعنی هرکس هر سلیقه‌ای دارد کنار بگذاریم. سلیقه‌ها و هوس‌هاییان را بر اساس رضای او تنظیم کنیم. معنای انتظار این است. انتظار یعنی به فکر جهان باش نه به فکر منطقه، الآن نماینده مجلس می‌گوید: من نماینده این شهر هستم و باید برای آسفالت و لوله‌کشی این شهر با وزیر صحبت کنم. هر نماینده‌ای می‌خواهد منطقه خودش را... انتظار یعنی مسأله منطقه‌ای و محلی و فردی و شخصی و جزئی و لهجه‌ای نباشد. انتظار یعنی به فکر جهان باشیم.

انتظار یعنی پایان همه ظلم‌ها، علاقه هم باید علاقه قلبی باشد. علاقه سطحی که ما در حدی که یک چراغانی کنیم، شکلاتی بخوریم، کفی بزینم و سوتی بکشیم و صلوات بفرستیم، به این علاقه‌های سطحی نباید قانع شویم. کسی که قانع شد به رفتارهای ظاهری و سطحی دیگر خودش را مسئول نمی‌داند. با یک کارهای سطحی، قانع است آدمی که قبل از غذا یک غذاهای مختلف می‌خورد. این دیگر آن غذای اصلی می‌آید سیر است، چون ول خوری و پر خوری کرده است. مثلاً ما...

اگر به بنده بگویند: سلسله جلیله، باید بینم من واقعاً جلیل هستم؟ یا چون لباس دینی پوشیدم جلیل هستم؟ بله عده‌ای هستند سلسله جلیله هستند. واقعاً جلیل هستند چون همه وجودشان کمال و تقواست. اما هرکس لباس مرا پوشید سلسله جلیله است؟ آدم اگر قانع شد، از خودش راضی می‌شود و به دیگران بدبین می‌شود. به وظایف فردی‌اش عمل نمی‌کند. به وظیفه اجتماعی‌اش عمل نمی‌کند. گرفتار توهم و امید بی‌جا می‌شود.

مسلمان‌ها می‌گفتند: ما بهتر هستیم به دلیل اینکه پیغمبر ما خاتم است. یهودی‌ها می‌گفتند: ما بهتر هستیم به دلیل اینکه سابقه یهود از مسلمان‌ها بیشتر است. آیه نازل شد، مسلمان‌ها و یهودی‌ها و مسیحی‌ها، هی نگویید ما بهتر هستیم و تو بهتر هستی. یک جایی عروسی بود، اصلاً شادی که در عروسی انجام می‌شود، در شادی فتنه بود. آنها می‌گفتند: عروس ما به خود ننازید داماد ما بهتر است! دامادی‌ها می‌گفتند: دامادی‌ها به خود ننازید، عروس ما بهتر است! اصلاً این فتنه است. شعارشان فتنه بود.

آنها می‌گفتند: ما بهتر هستیم چون سابقه یهود قبل از اسلام است. مسلمان‌ها می‌گفتند: ما بهتر هستیم چون دین ما کاملتر است. آیه نازل شد «لَیْسَ بِأَمَانِيكُمْ» (نساء/ ۱۲۳) این آرزوها را کنار بگذارید «و لا أمانی



أَهْلِ الْكِتَابِ» اهل کتاب هم آرزویشان را کنار بگذارند. کارتان چیست؟ نگاه نکنید گنبد چقدر بزرگ است، نگاه کنید چند نفر زیر این گنبد نماز می خوانند. قضاوت شما سطحی نباشد. بعضی ها هم دلشان خوش است به یک چیزهایی که مراسم معمولی است.

#### ۷ - قیام امام زمان علیه السلام برای حاکمیت قرآن در جهان:

شما خبر دارید که امام زمان، حدیث داریم وقتی امام زمان ظهور می کند در همه دنیا کار اولش این است که خیمه نماز، خیمه قرآن بزیم! خیمه قرآن بزیم. مکتب باید روشن باشد و باید نسخه را بخوانیم تا بعد وقتی نسخه را خواندیم و فهمیدیم، دارویش را گرفتیم، عمل کنیم. نسخه ما قرآن است. چه بگوییم؟ «قولوا»ها چیست؟ چه نگوئیم «لا تقولوا»ها چیست؟ چه بخوریم؟ «كلوا»ها چیست؟ چه نخوریم؟ «لا تأكلوا»ها چیست؟ «قولاً لئلاً» (طه/ ۴۴) نرم حرف بزیم، با کی؟ «وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ» (توبه/ ۷۳) شدید حرف بزیم با کی؟ با چه کسی بجنگیم و با چه کسی صلح کنیم؟ چه درآمدی حلال است و چه درآمدی حرام است؟ با چه کسی ازدواج کنیم؟ با چه کسی ازدواج نکنیم؟ این نسخه ما است، اول که امام زمان ظهور می کند...

بینندگان عزیز یک چهارده پانزده روز تا ماه رمضان است. تدبیری کنید، این ماه رمضان ها با سال های دیگر فرق می کند. ماه رمضان ها در اردیبهشت و خرداد است و ما تقریباً با چند روز کم و زیاد، دوازده میلیون بچه مدرسه ای داریم. پنج میلیون دانشجو داریم می شود هفده میلیون! یک میلیون معلم داریم می شود هجده میلیون، تابستان هست و درس ها تعطیل است. یعنی هجده میلیون فرهنگی در خیابان و کوچه پای فیلم و روزنامه و ماهواره هستند. هرکس یک جایی نشسته است. امام زمان که ظهور می کند، این مسأله قرآن باید حل شود. زشت است چهل سال از انقلاب می رود، تحصیل کرده های ما خیلی هایشان قرآن را باز می کنند، اصلاً نمی توانند بخوانند. چهل سال از انقلاب می رود، این بد است. امام زمان اولین کاری که می کند قرآن است.

جلسات قرآن باید چطور باشد؟ طولانی نباشد؟ چه آیه ای باشد؟ چطور تفسیر کنیم؟ منبرها را دیگر تقاضا کنید، از همه منبری ها و پیش نمازها تقاضا کنید، نصف وقتشان را قرآن تفسیر کنند. بنده نیم ساعت منبر هستم، یک ربع را دو آیه معنا کنم. یک ربع دیگر هم شعری، خوابی، قصه ای، تاریخی، تحلیل سیاسی، هرچه می خواهی بگویی، نصف بعد بگو. نصف منبر باید قرآن باشد. گاهی وقت ها آدم پای منبر می نشیند، می بیند این آقا از اول منبر تا آخر منبر یا شعر خواند، یا قصه گفت، یا تحلیل سیاسی کرد، یا تاریخ گفت، یا روضه خواند، نمی گویم آنها نباشد. نصفش قرآن باشد، نصف دیگر... کارهای شما مبنا داشته باشد.

یک مرتبه راه می‌افتد ختم انعام. اصلاً ما نفهمیدیم ختم انعام را چه کسی به مملکت ما آورد؟ سوره انعام با سوره اعراف فرقی ندارد. چطور ختم انعام راه افتاد، باقی ختم‌ها راه نیفتاد. باقی سوره‌ها چه گناهی کردند؟ همینطور ختم انعام می‌گیرند و از یک اسلام شناس نمی‌پرسند: سندش چیست؟ سند ندارد. ما هر چه گشتیم پیدا نکردیم. نمی‌گوییم بد است. می‌خواهم بگویم: دلیل می‌خواهد. شما ختم انعام بگیرید، اما دلیلش چیست؟ یکبار هم ختم اعراف بگیرید. یکبار هم ختم سوره مائده را بگیرید. باید مبنا داشته باشد. خیلی از کارهای مذهبی ما مبنا ندارد. الکی است. می‌گوید: بین دو نماز استخاره کن! چه کسی گفته: استخاره بین دو نماز مهمتر از استخاره بعد از نماز است؟ یکجایی اسلام دست گذاشته گفته این بهتر است. «و بِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَعْفِرُونَ» (ذاریات/ ۱۸) استغفار در سحر بهتر است. یک جایی روی مکان‌ها دست گذاشته است «من زار الحسين بکربلاء» امام حسین را کربلا زیارت کنید نه از راه دور! «من زار عبدالعظیم بری» یک جاهایی دست گذاشته، گفته: این مکان، این زمان، با این آدم، با این شرایط، دست گذاشتند. یک جایی دست نگذاشتند که اختیار با خودتان است ولی ما خودمان سلیقه‌ای، سلیقه به خرج می‌دادیم. دین منهای سلیقه با محوریت قرآن، آماده باش، جلسات کوتاه باشد، نیم ساعت، چهل دقیقه، بیشتر نکشد و طولانی نشود. اشرافی نشود. از پیش خودمان سلیقه‌ای نداشته باشیم.

خدایا ما را از منتظران واقعی امام زمان قرار بده. به ما توفیق فهم درست از اسلام و عمل خالص به اسلام و چشیدن مزه اسلام و چشاندن مزه اسلام به دیگران نصیب ما بفرما.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته